نقدنظر
شماره چهارم
دی ۱۴۰۴
۴

مداخله در منظر سرزمینی ایران

مهدی شیبانی
استاد گروه معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

جغرافیا، قطعه‌ای از زمین است که از عناصر محیطی تشکیل شده و با مقیاسی که تعیین می‌کند، سرزمین را می‌سازد. بوم و سرزمین یکی است. جغرافیا بخشی از بوم است. منظر بومی یا سرزمینی چگونه می‌تواند توسعه پیدا کند؟

ایران دارای بوم‌زیست‌های متفاوتی است، مرکب از اقلیم‌ها و عناصر محیطی متفاوت.

بوم، گفتگوی انسان و سرزمین است. منظر بومی این گفتگو را انجام می‌دهد و حاصل آن بروز هویت است. منظر بومی یا سرزمینی از جغرافیای خاص تشکیل شده؛ جغرافیایی که واجد عوامل طبیعی یا محیطی است اما با آن یکی نیست. چرا؟

محیط‌های جغرافیایی متفاوت در روی عرض جغرافیایی ثابت دارای عوامل محیطی متغییر هستند. محیط‌های جغرافیایی بر اساس عوامل طبیعی متغیر، تغییر خواهند کرد.

در نیم‌کرهٔ شمالی، خورشید از جنوب می‌تابد و در نیم‌کرهٔ جنوبی از شمال. عوامل طبیعی در عرض جغرافیایی متفاوت در فواصل دورتر از خط استوا اقلیم‌های متفاوت تولید می‌کنند. در بوم‌های متفاوت، عوامل طبیعی مختلف داریم که به صورت علت و معلول به تولید هویت در سرزمین منتهی می‌شوند.

برای شناخت ارزش‌های منظر ایرانی باید علت و معلول‌های آن را شناخت. آنچه می‌دانیم بیشتر دربارهٔ معلول است. باغ ارم، باغ فین، کاخ گلستان و امثال آنها معلول‌اند. علت آن چه بوده است؟ بررسی تحول تجربه به تولید اندیشه و فرهنگ ما را به این مقصود می‌رساند. باغ ایرانی چگونه خلق شد؟

منظر با عوامل طبیعی ساخته و با همهٔ حواس درک می‌شود. ایرانی‌ها با سه عامل آب، گیاه و زمین منظر را ساخته‌اند. آب‌یاری غرقابی با کرت‌بندی هماهنگ شده با شکل زمین و یک محور آب برای آب‌رسانی به کرت‌ها، باغ ایرانی را با ساختاری دو قسمتی صورت‌بندی کرد در جاهایی هم چهارقسمتی شد.

مثمربودن باغ هم در ذات و فلسفهٔ هستی آن است که به خانه‌ها و کاخ‌ها رفت. در حالی که در کاخ، ضروری نبوده که درختان مثمر باشند.

این باغ‌ها در لبهٔ شهر، به خانه باغ‌هایی تبدیل می‌شدند که از یک سو نوعی باغ سنتی بودند و از سوی دیگر یک خانهٔ شهری برای متمکنین. خصوصیات خانهٔ آن‌ها همان باغ سنتی بود که حیاط آنها را شکل می‌داد. سیر اندیشه به تولید تجربه، دانش و فرهنگ رسید به روح حیات و زندگی از طریق سازماندهی حیاط در خانهٔ ایرانی نتیجه تکامل این روند بود.

:DOI
Email : sheimash@gmail.com
نشریه مکتب نقدنظر، ۱ (۴): ۵-۴

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.4]

پایداری در توسعه با حفظ هویت.
توسعه، گاهی هویت را نابود می‌کند. چرا؟

آب، دو یا چهار کرت یا چندین کرت با درختان مثمر و یک محور با یک چلیپا. تدریجاً این فرم، الگوی حیاط خانهٔ ایرانی شد. حتی در خانه‌های مدرن هم این جوهره وجود دارد. آن ذهنیت تاریخی همچنان دو درخت میوه در حیاط خانه‌ها می‌کارد تا فصول بهار، تابستان، پاییز و زمستان و زمان را بشناسد. فرم را نیاورده، مفهوم را ادامه داده است.

باغ سنتی به حیاط می‌رسد. بعد کاخ می‌سازد و مسجد و مدرسه. به جای درخت گیلاس، توت می‌کارد. مؤلفه‌های پرآبی و کم‌آبی یا ترسالی و خشکسالی در نوع کاشت متفاوت در قسمت‌های مختلف باغ اثرگذار شد. کرت‌های اولیه مختص گیاهان پرآب و کرت‌های انتهایی ویژه درختان کم آب. این ریتم در شهر هم اثرگذار شد.

در منظر شهری از جمله در سمنان، باغ آب درست کردند. آب را برای افزایش دبی در هفت استخر ذخیره کردند. صبح‌ها آب را رها می‌کردند تا از کوچه‌ها که ادامهٔ حیاط خانه‌ها بود، بگذرد. منظر شهری سمنان از این کوچه‌ها و جریان آب در طول روز ساخته می‌شد. کوچه باغ یک مفهوم از زندگی بود.

در شهرهایی که با باغ‌ها محاصره می‌شدند، باغ با گیاهان حساس در مقابل خشکسالی در مرکز، بعد شهر، سپس باغ با گیاهان مقاوم در مقابل کم‌آبی و در آخر مزارع مکان‌یابی می‌شدند. این نظام، هویت معماری، شهر و منظر ایرانی را پدید می‌آورد. در دنیای امروز، بیشتر هویت تاریخی را ستایش می‌کنیم. در حالی که باید ماهیت آن را درک کنیم. دنیای مدرن این نظام را برهم زد. خانه در انواع بوم‌ها مشابه است. منظر با عوامل طبیعی ساخته می‌شود و در آن همه چیز حیات دارد. معماری منظر، سایت پلاینگ نیست. اندیشهٔ انتزاعی طراح نیست. چون از هویت آگاهی درست نداریم منظر تولیدی ما ماندگار نیست. اغلب تلاش‌ها به فرم و لندآرت (هنر زمین‌سار) گرایش پیدا کرده و عمر کمی دارند در حالی که حیاط خانهٔ ایرانی خسته‌کننده نیست. چون عوامل طبیعی در منظر مدرن حس نمی‌شوند، گذرا و شیءگونه هستند.

منظر ایرانی پایدار بوده؛ نظام حاکم بر آن پایداری فصلی، کاشت، گونه‌های گیاهی، مثمر و غیرمثمر و سایر عوامل طبیعی را ملاحظه می‌کرده است. پایداری تک‌بعدی معنی ندارد. پایداری اقتصادی یا اجتماعی اصطلاح غلطی است. پایداری با توجه به مسائل مکان مورد نظر تعریف می‌شود. جایی که آب یا آلودگی مسئلهٔ اصلی آن است، پایداری آن را در ارتباط با همان عوامل تعریف می‌شود.

در شورهزار، انگار نمی‌توان کاشت. محیط ناپایدار را با نقاشی نمی‌توان پایدار کرد. در باغ‌منظر با توجه به محیط، فرهنگ و کاشت اتفاق می‌افتد. منظر سرزمینی دربارهٔ بارگذاری در محیط صحبت می‌کند.

کارخانهٔ سیمان را چگونه در یک منطقه مکان‌یابی کنیم! اساس منظر سرزمینی و پایداری پیدا کردن، ظرفیت و مزیت نسبی محیط است؛ چه عوامل بازدارنده و چه عوامل محرک؛ آنها را باید بشناسیم. توسعه در ایران بیش از نظر کارشناسی تابع عدم آگاهی است. اندیشه و فرهنگ جهت توسعه را تعیین نمی‌کند. شهرها در توسعه و مکان برای شهرهای جدید بدون رعایت عوامل محیطی و منظر سرزمینی بارگذاری می‌شود. در طرح‌های توسعهٔ شهری ارومیه و خیلی شهرهای دیگر، توسعهٔ شهر را روی باغ‌های شهر دادند. شهرسازان هم از نظام منظر سرزمینی غافل بودند. برای توسعهٔ سرزمینی حتماً بایستی از تخصص‌ها و معماری منظر استفاده شود. می‌دانم که سیستم تصمیم‌گیری در توسعهٔ منظر سرزمینی بیش از موازین علمی و فنی تابع سیستمی است که یک اشکال آن عدم مدیریت در سیاست‌گذاری است بدون توجه به قابلیت‌ها در پایداری و توسعه با حفظ هویت است.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.4]